

ه گنبد طلا ارهای زندان

➤ همه چیز از حرم
امام رضا (ع) شروع شد

زهراشاهی کارش را از سال ۹۷
و از صحن و سرای امام رضا (ع) شروع
کرده است. آن سال به واسطه خواهرش که
وکیل دادگستری است با پرونده خانمی آشنا
می شود که به دلیل بدهی سال ها زندانی بوده و
هیچ امیدی برای بیرون آمدن از محبس نداشته است.
«خواهرم وکیل است و سال ۹۷ یکی از پرونده های او را به طور
اتفاقی خواندم و از شرایط سخت این خانم خبردار شدم. متوجه
شدم به دلیل بدهی در بند است. عملا امیدی برای بیرون آمدن
نداشت. پرونده و قصه زندگی این زن را که خواندم، حرم آمد و موضوع
را با دیگر همکاران خادم در میان گذاشتم. ۲۰ نفر از آن ها همان جا برای
کمک اعلام آمادگی کردند و گروه ما از صحن انقلاب آقا علی ابن موسی الرضا (ع)
شکل گرفت. شش ماه زمان برد تا توانستیم ۱۵۰ میلیون تومان برای این خانم
جمع کنیم. این اولین پرونده ما بود و من هنوز چندان وارد به کار نبودم.»

➤ همراهی ۶ هزار نیکوکار در شوق رهایی

نام گروه را «شوق رهایی» می گذارند و برای پرونده های دیگر اقدام می کنند، پرونده هایی
که آزادی آن ها در گرو پرداخت بدهی و دیه است. البته که نه هر بدهی و هر دیه ای! «اول
کار، خودم بودم و امام رضا (ع) ولی کم کم تعداد ما زیاد شد و به حدود ۲ هزار نفر رسیدیم.
گروه بیست نفره ما به واسطه معرفی دوستان کم کم بزرگ شد و برای دیگر پرونده ها اقدام
کردیم. الان اعضای گروه ما به حدود ۶ هزار نفر می رسند، ۶ هزار خیری که خرد و
کلان ما را برای نجات افراد بی گناه از بند همراهی می کنند. پرونده هایی که انتخاب
می کنیم پرونده هایی هستند که به آزادی ختم می شوند و هیچ
حاشیه ای ندارند. یعنی فرد به جز آن پرونده، پرونده دیگری
نباید داشته باشند. پرونده های مربوط به اسیدپاشی،
کلاهبرداری، دزدی و افراد سابقه دار را اصلا قبول
نمی کنیم. بیشتر پرونده ها مربوط به بدهی یا دیه
بوده که پرونده های دیه و قتل هم قتل های غیر عمد
بوده است.»

➤ هشت نفر از آن ها مادر بودند

آزادی ها فقط با قید یک شرط است و آن هم این
است که اگر دوباره فرد به هر دلیل کیفری یا
حقوقی زندانی شود به مقدار کمکی که به او شده
است بدهکار می شود و آن را باید پرداخت کند.
البته که تا کنون از ۲۵ نفری که به واسطه شوق
رهایی، از بند رهایی یافته اند موردی این چنین
پیش نیامده است. «بعضی از پرونده ها ممکن
است تا چند ماه هم در نوبت بمانند، همه هم
مشهدی نیستند و از شهرهای دیگر مثل سبزوار
هم پرونده داشته ایم که بعد از آزادی به کمک
خیران، یک سفر پایوس امام رضا (ع) هم آمدند.
یا یک مورد زن و شوهری داشتیم که هر دو به
دلیل بدهی زندان بودند. اول خانمی را آزاد
کردیم که باردار بود. بعد هم کمک کردیم
همسرش آزاد شد. به کمک خیران برای این
زوج خانه و وسایل خانه هم تهیه کردیم و الان
فرزند دوم آن ها هم به دنیا آمده است. تا الان
توفیق داشته ایم ۲۵ نفر را از بند آزاد کنیم. نفر
بیست و ششم هم بدهی اش کاملا جمع شده
است و مراحل آزادی در حال انجام است، رقمی
که تا کنون برای آزادی این افراد جمع کرده ایم
بیش از ۱۰ میلیارد شده است و عدد دقیق
آن را ندارم. از این تعداد آزاد شده ۹ نفر خانم
بوده اند که ۸ نفر از آن ها مادرند و سر خانه و
زندگی خود برگشته اند.»

ده ساله و هفده ساله آن زمان داشتم. شوهرم هم سال
۹۳ فوت کرده بود. به خانم وکیل که زنگ زدم گفتم:
فقط به خاطر خدا و امام رضا (ع) پرونده من را قبول کنید
چون من حتی یک هزار تومانی هم برای اینکه به
شما بدهم ندارم. فکرش را نمی کردم که کارم را قبول
کند تا اینکه اسسم را برای دیدار با وکیل خواندند و
امیدی در دلم جوانه زد. پیشنهاد خانم شاهی این
بود که با خواهرش صحبت کنم تا کمک کند که
به لطف امام رضا (ع) زهراشاهی که خادم
امام هم هست پرونده ام را قبول کرد. بچه هایم
وقتی فهمیدند آزاد می شوم، می گفتند ماما،
آزادی تو معجزه است. درست روز ولادت حضرت
معصومه (س) هم زمان با آغاز دهه کرامت در ۱۷
خرداد سال ۹۹ بعد از سه سال زندانی بودن
آزاد شدم.»

معصومه خانم بعد از آزادی تمام وقت خود را
برای آزادی دیگر زندانیان وقف کرده و به کمک
گروهی آمده است که سبب آزادی او شده اند.
این عهد او با امام رضا (ع) بوده است.

بستر مشخص است. این پوستر
«بود.»
سن و دو فرزند پسر سه ساله در
رضا (ع) است، تنها امیدی که او
یکی از نیکوکاران را که خادم
ستاده بود، خادمی که خواهرش
نده من آشنا شده بود. روزی که
به وکیل است فرستادم، فکرش را
من هیچ پولی برای هزینه کردن
عش شد پرونده ام را به خواهرش
، از بند نجات پیدا کنم.»

عنایت می داند، معجزه ای که
او رخ می دهد و ناامیدی او را
آن لحظه واقعا شکسته بود.
بند و نگران آن ها بودم. دو پسر